



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: احمد

تاریخ: ۱۳۹۶/۱/۲۷

نظر علامه منصور هاشمی خراسانی را درباره‌ی آیه ۸۲ سوره نمل می‌خواهم بدانم. اینکه جنبنده‌ای از زمین بیرون می‌آید و سخن می‌گوید به چه معنا است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۱/۳۱

چیستی و چگونگی «دَابَّةُ الْأَرْضِ» مانند چیستی و چگونگی «دَجَال» و «يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ» از مسائل رازگونه و پراختلاف در میان مسلمانان است که درباره‌ی آن داستان‌سازی‌ها و خیال‌پردازی‌های بسیاری صورت گرفته و این از یک سو به سبب اجمالی بوده که در سخن خداوند درباره‌ی آن وجود داشته و از سوی دیگر به سبب روایات متعارض و غریبی بوده که از دیرباز درباره‌ی آن شهرت پیدا کرده است، در حالی که بدون شک تدبیر بیشتر در سخن خداوند و عدم پیروی از روایات واحد و معارض با آن می‌تواند تصویر کامل‌تر و صحیح‌تری از آن را به دست دهد.

خداوند در آیه‌ی ۸۲ سوره‌ی نمل پیش از سخن گفتن درباره‌ی «حشر» فرموده است: ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾؛ «و چون سخن بر آنان واقع شود برایشان جنبنده‌ای از زمین را بیرون آوریم که با آنان سخن گوید، هرآینه مردم به آیات ما یقین نمی‌داشتند» و این می‌تواند بیانگر چند نکته باشد:

۱. «دَابَّةُ الْأَرْضِ» یک «موجود زنده»، بلکه «حیوان ناطق» است؛ زیرا از یک سو «دَابَّة» در لغت به معنای «جنبنده» است که بر جسم نامی متحرک بالإرادة اطلاق می‌شود؛ همچنانکه در کتاب خداوند به همین معنا استعمال شده و مثلاً آمده است: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ﴾

فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ ﴿۱﴾؛ «و خداوند هر جنبنده‌ای را از آب آفرید، پس برخی از آن‌ها بر روی شکمشان راه می‌روند و برخی از آن‌ها بر روی دو پا راه می‌روند و برخی از آن‌ها بر روی چهار پا راه می‌روند» و از سوی دیگر در سخن خداوند تصریح شده که این «حیوان» جنبنده‌ای ﴿مِنَ الْأَرْضِ﴾؛ «از زمین» و متکلم با مردم یعنی «ناطق» است و با این وصف، بنا بر اصل و ظاهر یک «انسان» محسوب می‌شود و این چیز غریبی نیست؛ چراکه اطلاق «دَابَّة» (جنبنده) بر «انسان» در کتاب خداوند واقع شده؛ چنانکه به عنوان نمونه فرموده است: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾^۱؛ «هرآینه بدترین جنبندگان نزد خداوند کران و گنگانی هستند که تعقل نمی‌کنند» و فرموده است: ﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾^۲؛ «هرآینه بدترین جنبندگان نزد خداوند کسانی هستند که کافر شدند، پس آنان ایمان نمی‌آورند»؛ همچنانکه برخی از جنبندگان را ﴿مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ﴾؛ «کسانی که بر روی دو پا راه می‌روند» دانسته است و این «انسان» را در بر می‌گیرد. از اینجا دانسته می‌شود روایاتی در منابع فریقین که خروج «دَابَّة الْأَرْض» را به همراه عصای موسی و انگشتر سلیمان علیهما السلام می‌دانند و تبعاً به انسان بودن او اشاره دارند، با کتاب خداوند سازگارند^۳، ولی روایاتی که او را حیوانی عجیب الخلقه و عظیم الجثه می‌شمارند، از سازگاری کمتری برخوردارند^۴، هر چند خداوند قادر است که حیوانی جز انسان را نیز نیروی تکلم با مردم دهد، ولی این بر خلاف اصل و ظاهر است و جز با دلیلی قطعی قابل انتظار نیست و از این رو، از علی بن ابی طالب رسیده است که فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ مَا لَهَا ذَنْبٌ وَإِنَّ لَهَا لَلْحَيَّةَ»^۵؛ «بدانید که به خدا سوگند او دم ندارد، بلکه ریش دارد»!

۲. «دَابَّة الْأَرْض» در آستانه‌ی قیامت و پس از رفع تکلیف مردم خروج می‌کند؛ زیرا مراد از ﴿إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ﴾؛ «چون سخن بر آنان واقع شود» هنگامی است که وعده‌ی خداوند تحقق می‌یابد و تبعاً توبه‌ی مردم ارزش و معنای خود را از دست می‌دهد؛ چنانکه در آیه‌ی بعد به «روز حشر» اشاره کرده و در دو آیه‌ی بعد فرموده است: ﴿وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ﴾^۶؛ «و سخن بر آنان واقع شود به سبب اینکه ظلم کردند، پس آنان دیگر سخن نمی‌گویند»

۱. التور / ۴۵

۲. الأنفال / ۲۲

۳. الأنفال / ۵۵

۴. بنگرید به: مسند أبي داود الطيالسي، ص ۳۳۴؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۲۹۵ و ج ۵، ص ۲۶۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۲؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۲۱؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۴۸۵؛ الغيبة للطوسي، ص ۲۶۶؛ الخرائج والجرائح للراوندي، ج ۳، ص ۱۱۳۶.

۵. بنگرید به: شرح صحيح مسلم للنووي، ج ۱۸، ص ۲۷؛ تحفة الأحمدي للمباركفوري، ج ۶، ص ۳۴۴.

۶. تفسير القرآن العظيم لابن أبي حاتم، ج ۹، ص ۲۹۲۴؛ الجامع لأحكام القرآن للقرطبي، ج ۱۳، ص ۲۳۶

۷. التمل / ۸۵

و این تفسیر زمان خروج «دَابَّةُ الْأَرْضِ» است؛ همچنانکه در آیه‌ای دیگر فرموده است: ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا ۗ قُلِ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾؛ «روزی که برخی از آیات پروردگارت می‌آید کسی را ایمانش سود نمی‌رساند اگر از پیش ایمان نیاورده یا در ایمانش خیری کسب نکرده باشد، پس منتظر باشید که ما منتظرانیم» و فرموده است: ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْتَظَرُونَ﴾؛ «بگو در روز گشایش کسانی که کافر شدند را ایمانشان سودی نمی‌رساند و آنان فرصت داده نمی‌شوند».

۳. خروج «دَابَّةُ الْأَرْضِ» در آستانه‌ی قیامت و پس از رفع تکلیف مردم نمی‌تواند برای دعوت آنان به سوی حق باشد، بلکه تنها می‌تواند برای کاری از سنخ کارهای مربوط به قیامت مانند جدا کردن خوبان و بدان از هم و گسیل داشتن‌شان به سوی محشر باشد و این مطابق با روایاتی در منابع فریقین است که خروج او به همراه عصای موسی و انگشتر سلیمان علیهما السلام را برای جدا کردن مؤمن از کافر با علامت نهادن بر روی هر یک می‌دانند و تبعاً از این جهت نیز با کتاب خداوند سازگاری دارند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ دَابَّةِ الْأَرْضِ، فَقَالَ: إِنَّهَا رَجُلٌ لَهُ عَصَا وَمِيسَمٌ يَضْرِبُ الْمُؤْمِنِينَ بِعَصَاهُ وَالْكَافِرِينَ بِمِيسَمِهِ فَيَسُوقُهُمْ إِلَى الْمَحْشَرِ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ شِئْتُ لَسَمَّيْتُهُ لَكُمْ»؛ «از منصور درباره‌ی دابَّةُ الْأَرْضِ پرسیدم، پس فرمود: هرآینه آن مردی است که برای او عصا و داغ‌آهنی است، مؤمنان را با عصایش و کافران را با داغ‌آهنش می‌زند و به سوی محشر می‌راند، به خدا سوگند اگر می‌خواستم او را برایتان نام می‌بردم».

آری، میان قاریان قرآن در قرائت ذیل آیه اختلاف است؛ به این ترتیب که قاریان کوفی ﴿أَنَّ﴾ در فقره‌ی ﴿أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ را با فتح الف خوانده‌اند و این می‌تواند به معنای آن باشد که فقره‌ی مذکور، کلام «دَابَّةُ الْأَرْضِ» است و او به مردم خواهد گفت: «هرآینه مردم به آیات ما یقین نمی‌داشتند»، ولی قاریان دیگر آن را با کسر الف خوانده‌اند و این به معنای آن است که فقره‌ی مذکور، جمله‌ای استینافی است و بیانگر آن است که خارج ساختن «دَابَّةُ الْأَرْضِ» به سبب این است که مردم به آیات ما یقین نمی‌داشتند، بلکه همواره در شک و شبهه بودند و از این رو، «دَابَّةُ الْأَرْضِ» را برای آنان خارج می‌سازیم تا آنان را به یقین برساند و به همه‌ی شک‌ها و شبهه‌ها پایان دهد و این قرائتی است که با زمان خروج «دَابَّةُ الْأَرْضِ» مناسب‌تر است و از گفتار منصور هاشمی خراسانی برداشت می‌شود؛ چراکه او فرموده است: «به خدا سوگند هیچ بتی ساخته نمی‌شود

۱. الأنعام / ۱۵۸

۲. السجدة / ۲۹

۳. گفتار ۱۳۱



مگر اینکه پرستندگانی برای آن یافت می‌شوند، اگرچه کله‌ی خری بر سر چوبی باشد؛ تا آن گاه که جنبنده‌ای از زمین بیرون آید و با مردم گفتار کند، پس بر خوب و بد نشانی نهد که با آن شناخته شوند؛ هرآینه مردم به نشانه‌های خداوند یقین نمی‌داشتند»^۱.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خراسانی
 مجله حکایت‌ها و سوره‌ها



۱. گفتار ۷۸

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.